

قلمرو فکری

- ۱- آسمان تفریحگاه مردم کویر است . (محل تفریح است) ۰,۲۵
- ۲- با آنکه فقیرم و شاد و سرخوش نیستم . ۰,۲۵
- ۳- آدم به هر جا که میرود (می رسد) احساس می کند به نهایت کمال (کمال مطلوب) خود رسیده است . ۰,۵
- ۴- کسی قدم در راه عشق می گذارد که جان ندارد و جان باز است . (عاشق جانباز است) ۰,۵
- ۵- حال عاشق (عارف) را بی بهره از عشق (بی معرفت) نمی فهمد . ۰,۵
- ۶- یک روز مردم دنیا پیرو روم بودند و از آن دنیا را می دیدند . ۰,۵
- ۷- چادر سپید را از سر بردار (برف های روی قله را کنار بزن) و به تختی کبود رنگ بنشین و قدرت را به دست بگیر . ۰,۷۵
- ۸- به باد صبا فرمان داده تا همچون خدمتکاری چمن سبز را مثل فرشی سبز بگستراند . ۰,۷۵

درک مطلب

- ۹ - د ۰,۲۵
۱۰ - ج ۰,۲۵
۱۱ - خوش گذرانی و عیاشی ۰,۵
۱۲ - الف : قلۀ برف آلود ۰,۲۵
۱۳ - مردمی که نویسنده و متفکر ندارند . ۰,۵
۱۴ - الف : عاشق (عارف) ۰,۲۵
۱۵ - الف : عاشق شدن ۰,۲۵
۱۶ - الف : مکاشفت (پی بردن به حقیقت) ۰,۲۵
۱۷ - امام راستین : علی علیه السلام ۰,۲۵ شیعه : علی شریعتی ۰,۲۵
ب : هر کسی لایق عشق نیست . ۰,۲۵
ب : از خود بی خود شدم . (بی اختیار شدم) ۰,۲۵
ب : ناپیدا بودن قلۀ دماوند ۰,۲۵
ب : بی بهره ماند و روزگارش تباه شد . ۰,۲۵

قلمرو زبانی

- ۱۸ - نفیر : فریاد و زاری به صدای بلند ۰,۲۵
۲۰ - سودا : خیال ، دیوانگی ۰,۲۵
۲۲ - سموم : باد بسیار گرم و زیان رساننده ۰,۲۵
۲۴ - بحر ۰,۲۵ - حوزه ۰,۲۵ - طاق ۰,۲۵ - ارغند ۰,۲۵
۲۶ - تومان ۰,۲۵ نوع آن ممیز ۰,۲۵
۲۸ - سینه : مفعول ۰,۲۵ عشق : مسند ۰,۲۵
۳۰ - مصراع اول : فعل اسنادی ۰,۲۵ مصراع دوم : نابود ۰,۲۵
۳۲ - روم : مضاف الیه مضاف الیه ۰,۲۵ دوچین : صفت مضاف الیه ۰,۲۵
۳۳ - سرمای کشنده : وصفی ۰,۲۵ برف زمستان : اضافی ۰,۲۵
۳۴ - الف : توقف کوتاه ۰,۲۵ ب : از خود گذشتن (جانبازی) ۰,۲۵
۳۵ - الف : تشبیه ۰,۲۵ ب : تشخیص یا استعاره ۰,۲۵
۳۶ - ب (پروانه : عاشق) ۰,۵
۳۷ - ۱- سینه : مجاز از دل یا عاشق ۰,۲۵ ۲- جمال و کمال : سجع ۰,۲۵
۳۸ - الف : حسن تعلیل ۰,۲۵ ب : اسلوب معادله ۰,۲۵
۳۹ - عین القضاات همدانی ۰,۲۵ شفيعی کدکنی ۰,۲۵
۴۰ - مشروطه ۰,۲۵ فرخی یزدی یا بهار یا عارف قزوینی (یک مورد) ۰,۲۵
۴۱ - الف : لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران ۰,۵
ب: باز آ که در هوایت خاموشی جنونم ۰,۵
ج : دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی ۰,۲۵
۴۲ - ۲ - بالله کز آفتاب فلک خویر شوی ۰,۲۵

۰/۵	۳۶- در کدام گزینه واژه‌ای در مفهوم «نمادین» به کار رفته است؟ مفهوم آن را بنویسید. الف- هر چه موجودند از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند. □ ب- پروانه، قوت از عشق خورد؛ بی آتش، قرار ندارد. □ ج- اول پایه، معرفت است و دوم پای، محبت و سیم پایه، عشق □ د- عشق خاص‌تر از محبت است، زیرا که همه عشقی، محبت باشد. □								
۰/۵	۳۷- نوع آرایه به کار رفته در هر یک از ابیات و عبارات «گروه الف» را از بین آرایه‌های ادبی «گروه ب» انتخاب کنید. (توجه: در گروه «ب» یک مورد اضافی است.) <table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th><th>ب</th></tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱- سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق</td><td>استعاره</td></tr> <tr> <td>۲- بدان که از جمله نام‌های حُسن، یکی جمال است و یکی کمال</td><td>مجاز</td></tr> <tr> <td></td><td>سجع</td></tr> </tbody> </table>	الف	ب	۱- سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق	استعاره	۲- بدان که از جمله نام‌های حُسن، یکی جمال است و یکی کمال	مجاز		سجع
الف	ب								
۱- سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق	استعاره								
۲- بدان که از جمله نام‌های حُسن، یکی جمال است و یکی کمال	مجاز								
	سجع								
۰/۵	۳۸- در کدام یک از ابیات زیر آرایه ادبی «اسلوب معادله» و در کدام بیت «حسن تعلیل» به کار رفته است؟ الف- «تو قلب فسرده زمینی / از درد ورم نموده یک چند» ب- «محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر، زبان را مشتری جز گوش نیست»								
۰/۵	۳۹- پدیدآورنده آثار زیر را مرقوم نمایید. تمهیدات : مثل درخت در شب باران :								
۰/۵	۴۰- غزل اجتماعی در دوره رواج یافت. نمونه ای از غزل سرایان این سبک را بنویسید.								
۱/۵	حفظ شعر ۴۱- بیت‌ها را کامل کنید. الف- آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل (۰/۵) ب- فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران (۰/۵) ج- دست از چو مردان ره بشوی تا بیابی و زر شوی (۰/۲۵) ۴۲- کدامیک از مصراع‌های قسمت «ب» کامل کننده مصراع قسمت «الف» است؟ (۰/۲۵) <table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th><th>ب</th></tr> </thead> <tbody> <tr> <td>گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد</td><td>۱- زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی</td></tr> <tr> <td></td><td>۲- بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی</td></tr> <tr> <td></td><td>۳- باید که خاک درگاه اهل هنر شوی</td></tr> </tbody> </table>	الف	ب	گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد	۱- زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی		۲- بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی		۳- باید که خاک درگاه اهل هنر شوی
الف	ب								
گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد	۱- زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی								
	۲- بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی								
	۳- باید که خاک درگاه اهل هنر شوی								
۲۰	جمع نمره								

۰/۵	۱۲- با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «از سیم به سر یکی گله خود ز آهن به میان یکی کمر بند تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل بند» الف- منظور شاعر از «گله خود سیمین» چیست؟ ب- شاعر در بیت دوم، به کدام صفت کوه دماوند اشاره می‌کند؟
۰/۵	۱۳- با توجه به بیت «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت» به نظر فرخی کدام ملت‌ها در گذر روزگار، فراموش خواهند شد؟
۰/۵	۱۴- با توجه به بیت «هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که پی روزی است روزش دیر شد» الف- منظور از «ماهی» چیست؟ ب- ترکیب «روزش دیر شد» چه مفهومی دارد؟
۰/۵	۱۵- با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «به حسن- که مطلوب است- دشوار می‌توان رسیدن، زیرا که وصول به حسن، ممکن نشود الا به واسطه عشق، و عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده روی ننماید.» الف- شرط دستیابی به «خوبی» چیست؟ ب- منظور از قسمت مشخص شده چیست؟
۰/۵	۱۶- در عبارت «به خاطر داشتم چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه‌ی اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.» الف- «چون به درخت گل رسیدم» بیانگر کدام حال عرفانی است؟ مکاشفت □ مراقبت □ ب- «دامنم از دست برفت» یعنی چه؟
۰/۵	۱۷- منظور از «امام راستین» و «شیعه گمنام» در متن زیر از درس «کویر» چیست؟ «ناله‌های گریه آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. ناله‌های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست.»
	ب قلمرو زبانی (۷ نمره)
۱/۵	معنی واژه معنی واژگان مشخص شده را بنویسید. (هر مورد ۰/۲۵) ۱۸- در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند ۱۹- زین بی خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند ۲۰- سودای عشق از زیرکی جهان، بهتر ارزد. ۲۱- وظیفه روزی به خطاب منکر نبرد. ۲۲- در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد. ۲۳- هنگام «چریغ آفتاب» کنار قنات اتراق می‌کردیم.
۱	۲۴- در میان گروه کلمات زیر، نادرستی املائی را بیابید و تصحیح کنید. صفوت آدمیان - بهر مکاشفت - خوان نعمت - غوغا و فریب - حوضه ادیب بزرگ - تاق ضربی - غایت عشق - بنای تزویر - شیر ارقند - حد و مجازات
	ادامه سوالات در صفحه سوم



به نام آنکه جان را فکرت آموخت

نام و نام خانوادگی:

تاریخ: ۹۸/۱۰/۱۲

مدت: ۹۰ دقیقه

نام دبیر: محی الدین

آزمون پایان ترم نوبت اول: فارسی ۳

پایه: دوازدهم ریاضی و تجربی

بارم	(تعداد ۳ بخش سؤال و در چهار صفحه تنظیم شده است.)	الف
		قلمرو فکری ۸ نمره
۴ نمره	ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.	
۰/۲۵	۱- که آسمان، تفرجگاه مردم کویر است.	
۰/۲۵	۲- با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است	
۰/۵	۳- آدمی به هر جا می رود، گمان می کند به غایت القصوای مقصود خود رسیده است.	
۰/۵	۴- در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست	
۰/۵	۵- در نیابد حال پخته هیچ خام	
۰/۵	۶- یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد.	
۰/۷۵	۷- از سر بکش آن سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند	
۰/۷۵	۸- فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد.	
	درک مطلب (۴ نمره)	
۰/۲۵	۹- بیت: «عاشقان کشتگان معشوقند / برنیاید ز کشتگان آواز» با کدام بیت زیر ارتباط معنایی دارد؟	
	الف- این همه ناله های من نیست زمن همه ازوست / کز مدد لعل لبش بی دل و بی زبان شدم ☐	
	ب- با تیر غمت لب به شکایت نگشودم / از کشته شمشیر تو آواز نیاید ☐	
	ج- کشته معشوق را درد نباشد که خلق / زنده به جانند و ما زنده به تأثیر او ☐	
	د- لالند عارفان تو از شرح چند و چون / از معرفت خبر نشد آنرا که لال نیست ☐	
۰/۲۵	۱۰- شاعر در همه ابیات به جز بیت به بی عدالتی و وضع نابسامان دستگاه حکومت اشاره کرده است.	
	الف- گفت: نزدیک است والی را سرای آن جا شویم / گفت والی از کجا در خانه خمار نیست ☐	
	ب- مستی زان سبب افتان و خیزان می روی / گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست ☐	
	ج- آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست ☐	
	د- گفت می باید تو را تا خانه قاضی برم / گفت: رو صبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست ☐	
۰/۵	۱۱- منظور از عبارت زیر چیست ؟	
	«امپراتوری های بزرگ هم، مانند آدم های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می میرند.»	
	ادامه سوالات در صفحه دوم	